



چگونه رویکر در رئیس جمهور اوکراین مبنی بر هضم در نظام جهانی و اعتماد به وعده‌های غرب، استقلال و حاکمیت ملی این کشور رادر معرض نابودی قرار داد

درس زلنسکی

علیرضا حاجتی: اوکراین ۲۰۲۲ چه پیامی را به جهان مخابره می‌کند؟ تامل در پاسخ به این پرسش برای انسان امروز که در محیط بین‌الملل با قواعد و هنجارهای آن زیست می‌کند، بویژه جامعه ایرانی، فرصت بسیار مغفتمی برای عبرت‌آموزی و همچنین ضرورت توجه به داشته‌هایی همچون تسلیحات نظامی است؛ قدرت نظامی‌ای که تلاش‌های مرموزی در ایران جهت نابودی این ظرفیت و مشروعیت‌زدایی از آن شده است، آن هم در شرایطی که پیش از این جریان‌اتی در کشور، اوکراینیزه کردن ایران را هم در تئوری و هم در عمل پیش برده‌اند!

نخستین تلنگری که پس از استیصال مقامات اوکراین به ویژه ولودیمیر زلنسکی در تنها ماندن این کشور در پی تهاجم روسیه به طور ویژه دیده شد، افسانه خریدن امنیت و تکیه به دولت‌های غربی جهت گرفتن تضمینی برای آینده بود. ماجرای اوکراین در وهله اول اثبات کرد امنیت و اقتدار، کالایی خریدنی نیست. اوکراینی که پس از آغاز درگیری‌ها به دنبال رساندن صدای خود به ناتو و آمریکا با نیت ورود به این مهلکه بود، پرقدرت‌ترین پاسخی که دریافت کرد دعای خیر بایدن و ابراز امیدواری سایرین برای پایان یافتن این مناقشه بود.



دهه از شکست فاحش ایده‌آلیسم در جلوگیری از جنگ دوم جهانی و به موزه سپردن شدن این نظریه، به آموزه‌های ویلسونیسیم و نویل چمبرلین (نخست‌وزیر انگلستان پیش از جنگ دوم) بازگشته بودند!

این تنها نمونه نبود؛ تخریب قدرت نظامی ایران در تمام دوران دولت‌های یازدهم و دوازدهم از سوزه‌های پررنگ برای تخریب قوای دفاعی کشور بود. موضع مشهور حسن روحانی در مناظرات انتخاباتی سال ۹۶ که آزمایش موشک از سوی کشورمان را توطئه‌ای علیه برجام خواند، جدا از آنکه تکرار صدای آمریکا از زبان رئیس‌جمهور مستقر بود، بخوبی افق دید این جریان را نسبت به توانایی‌های دفاعی کشور نمایان می‌کرد. پیش از این موضع روحانی البته وزیر امور خارجه دولتش، محمدجواد ظریف در دانشگاه تهران با تحقیر قدرت دفاعی کشورمان عنوان کرده بود آمریکا می‌تواند با یک بمب سیستم دفاعی ایران را نابود کند. جمله دولت روحانی با سرهم کردن این عبارات در پی اثبات این مدعا بودند که توافق هسته‌ای برجام توانسته است سایه جنگ را از ایران دور کند. روحانی و ظریف از معدود کسانی در جهان بودند که با گذشت چند

از چمبرلین تا ظریف!



وقایع اوکراین اثبات کرد همچنان تجویزهای راهبردی واقع‌گرایانه و رئالیسم کارآمد است و اتفاقات و روابط بین‌الملل امروز را به روشنی توضیح می‌دهد. واقع‌گرایان به ما می‌گویند در شرایطی که منطق هابزی «انسان گرگ انسان است» بر جهان حاکم است، اعتماد و اخلاق‌گرایی و سر دادن شعارهای آرمان‌گرایانه برای تحقق صلح و تامین منافع ملی جایی در مناسبات بین‌المللی ندارد.

برای اثبات این گزاره‌ها نمونه تاریخی وجود دارد: توافق مونیخ در ۱۹۳۸ و توافق هسته‌ای برجام در وین سال ۲۰۱۵. با امضای توافق مونیخ در سی‌ام سپتامبر ۱۹۳۸ میان نویل چمبرلین و آدولف هیتلر، نخست‌وزیر انگلستان در سخنرانی معروف خود پس از این توافق، با ابراز خوشبینی از گفت‌وگویی خود با آدولف هیتلر در فرودگاه و خواندن متن نامه امضا شده توسط هر دوی آنها از پنج‌هزار نفر، نخست‌وزیر در داوینگ استریت گفت: «این دومین بار در تاریخ ما است که بازگشتی از آلمان با صلح افتخارآمیز اتفاق افتاده است. من باور دارم این صلح برای زمانه‌مان است. حالا من پیشنهاد می‌کنم شما به خانه بروید و آرام در تخت خود بخوابید». اما کمتر از یک سال بعد از ایراد این سخنرانی، جنگ دوم جهانی به عنوان یکی از مرگبارترین جنگ‌های تاریخ بشر توسط هیتلر شروع شد و سیاست مماشات (Appeasement) چمبرلین که مبتنی بر خوشبینی و اعتماد بود، برای همیشه به تاریخ پیوست.

چند دهه بعد دولت روحانی در ماجرای برجام آرمان‌گرایی شکست خورده چمبرلین را اختیار کرد. در خلال مذاکرات هسته‌ای مقامات دخیل در مذاکرات موضوعی از خود ثبت کردند که برای همیشه در شکست گزاره اعتماد در مناسبات بین‌الملل ماندگار است. به عنوان نمونه محمدجواد ظریف، وزیر وقت امور خارجه طی مصاحبه‌ای تلویزیونی با شبکه بی‌بی‌سی آمریکا گفت ایران قول پاک‌اوباما برای لغو تحریم‌ها را در مذاکرات هسته‌ای قبول می‌کند. ظریف که رئیس تیم مذاکراتی ایران نیز بود، بیان داشت: ما محدودیت‌هایی را که پرزیدنت اوباما برای وادار کردن کشور به لغو تحریم‌ها با آن مواجه است، ترک می‌کنیم. وی افزود، همان‌طور که ما نمی‌پذیریم آنها از ما امری غیرممکن بخواهند ما هم از آنها نمی‌خواهیم اقدامی غیرممکن انجام دهند. رئیس وقت دستگاه دیپلماسی ایران اضافه کرد: اگر پرزیدنت اوباما به ما قول می‌دهد که کاری بکند، ما آن را می‌پذیریم و به قولش احترام می‌گذاریم. همچنین علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی دولت روحانی درباره نتیجه مذاکرات بر سر موضوع تحقیق و توسعه می‌گوید برای خوشحالی و رضایت طرف مقابل محدودیت‌ها را بپذیریم و وی در این باره گفت: محدودیت‌ها اعمال شده در قالب برجام، محدودیت زیادی برای ما نیست اما همین محدودیت‌ها طرف دیگر را خرسند می‌کند، بنابراین ما گفتیم باشد البته می‌توانست بهتر باشد اگر تعداد سانتریفیوژهای بیشتری داشتیم!

است. اما در مقابل و در پاسخ به اعتماد تیم ایرانی، مقامات دولت اسبق آمریکا چه رویکردی داشتند؟ آمریکا‌های ضمن اعلام اینکه تا زمانی که درباره همه چیز مذاکره نشود، درباره هیچ چیزی مذاکره نشده، به صراحت از بی‌اعتمادی به ایران سخن می‌گویند. در یکی از این اظهارات «جان کری» وزیر وقت خارجه آمریکا با تکرار این مطلب که «به ایران اعتماد نداریم» تأکید کرد به موجب برجام تهران «امکان تولید بمب هسته‌ای را ندارد» و سازمان‌های اطلاعاتی و همین‌طور سازمان‌های وابسته به وزارت انرژی آمریکا می‌توانند بدانند ایران در تأسیسات خود چه می‌کند. در نتیجه این بی‌اعتمادی بود که آمریکا‌های ضمن تحمل سنگین‌ترین و بی‌سابقه‌ترین مکانیزم‌رستی‌نامه‌های هسته‌ای به دولت روحانی که ایران را تبدیل به یک استثنا می‌کرد، با متن پر ایراد برجام فضا را برای عمل نکردن به تعهدات خود و نقض برجام باز گذاشتند. جمله محمدجواد ظریف که واژه تعلیق در

خودتحریمی تسلیحاتی!

محمّدجواد ظریف، وزیر امور خارجه دولت روحانی در واکنش به توافق هسته‌ای می‌گوید: «توافق هسته‌ای وین یک پیروزی برای دیپلماسی بود و این مشکل پس از جنگ دوم جهانی یک مسأله پیچیده بود که به راه‌حل رسید».

مشخصاً کسی که برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشورش را یکی از پیچیده‌ترین مسائل و بحران‌های بعد از جنگ دوم جهانی می‌بیند و در جریان فایل صوتی مشهور تاریخ شفاهی خود می‌گوید مفروضات واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل را قبول ندارد، طبعاً استعداد اوکراینیزه کردن ایران را دارد. دیپلماتی که با زیرسوال بردن توان دفاعی کشور، خواهان در اختیار گرفتن توانمندی نظامی که از آن به «میدان» یاد می‌کند، در جهت دیپلماسی خود که تنش‌زدایی یک‌طرفه بود، می‌شود.

در فاصله ۱۶ تا ۲۳ تیر ۹۴، هفته پایانی مذاکرات در وین میان ایران و اعضای ۵+۱، رسانه‌ها از هتل کوبورگ (محل مذاکرات) اعلام یک بن‌بست در گفت‌وگوها را مخابره می‌کردند. خبرگزاری روتیزر ۲۰ تیر گزارش داد: «طرف‌های مذاکره بر سر موضوعاتی از جمله تحریم‌های تسلیحاتی سازمان ملل متحد ضدایران که غربی‌ها خواهان باقی ماندن آن هستند و روسیه و چین مخالفند، اختلاف دارند». در نتیجه، طبق مصالحه تیم ایرانی با طرف‌های غربی، تحریم‌های تسلیحاتی برای ۵ سال دیگر بر جای خود باقی ماند. با این وجود اما اصل ماجرای آن چند روز نفسگیر و ماهیت قفل ایجاد شده در چند روز آخر مذاکرات، همچنان مهم باقی ماند تا اینکه چند روز بعد از توافق نهایی وین، اظهارات برخی مقامات دخیل در مذاکرات، پرده از ماجرا برداشت. «سرگئی لاوروف» در مصاحبه‌ای گفت: «ما و چین می‌خواستیم تحریم‌های تسلیحاتی لغو شود اما به رغم حمایت ما، خود تیم ایرانی موافقت تحریم‌ها را ۵ سال ادامه یابد» در نهایت، همکاری ایرانی ما که طبیعتاً در این باره تصمیم‌گیرنده اصلی بودند، موافقت کردند در این باره معامله نکنند. طبیعتاً ما و چین با توجه به اینکه ایران با آن موافق بود، از آن حمایت کردیم. «وندی شرمن» مذاکره‌کننده سابق آمریکا هم سال ۹۵ در مصاحبه با پایگاه «اِشیا مترز» با اشاره به برخی نقاط اختلاف تیم مذاکره‌کننده آمریکا و روسیه در جریان مذاکرات هسته‌ای گفت: «یکی از نقاط واگرایی و اختلاف ما و روس‌ها - که البته اواخر مذاکرات روی میز گذاشته شد - قطعنامه سازمان ملل درباره تحریم موشکی و تسلیحاتی بود. روسیه معتقد بود نباید هیچ محدودیتی روی موشک و تسلیحات باشد. آنها هیچ محدودیتی را روی موشک‌های خودشان نمی‌خواستند و البته فکر می‌کردند چنین محدودیتی نباید بر ایرانیان هم اعمال شود. در نهایت بر سر این موضوع مصالحه کردیم». شرمن ادامه داد: «روسیه و چین معتقد بودند قطعنامه صرفاً باید توافق را تأیید کند و نباید هیچ محدودیتی بر برنامه موشکی و تسلیحاتی ایران باقی بماند. آنها نمی‌خواستند برنامه موشکی یا ممنوعیت واردات تسلیحاتی ایران، پابرجا بماند اما آنها متوجه شدند بدون وجود محدودیت‌هایی که بود، ما نمی‌توانیم توافق کنیم». وندی شرمن در ادامه این گفت‌وگو درباره محدودیت‌های ایران و روسیه برای قبول کردن نتیجه نهایی مذاکرات اینچنین گفت: «مسئله مهم دیگر این بود که روسیه نمی‌خواست توافق

شهریور ۹۴ سیدعباس عراقچی، عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و معاون وقت سیاسی وزارت امور خارجه جزئیات مذاکرات انجام شده پیرامون قطعنامه ۲۲۳۱ و تحمیل تحریم تسلیحاتی به کشورمان را در نشست کمیسیون ویژه مجلس شورای اسلامی تشریح کرد. عراقچی در این نشست به توجیه این بحث پرداخت که چگونه در روند مذاکرات بنا شد تحریم‌های تسلیحاتی در قطعنامه بیاید و نه در برجام! عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده ایرانی در این باره گفت: «اغری‌ها» می‌گفتند در این مرحله اگر بیاییم تحریم تسلیحاتی ایران را برداریم، این یعنی دیگر کشورمان کشته‌ایم. یعنی دیگر نمی‌توانیم توافق کنیم؛ دیگر جواب متحدها خودشان در منطقه را نمی‌توانند بدهند. جواب کشور به هم نمی‌توانند بدهند. لذا از اول موضوع‌شان این بود که تحریم تسلیحاتی، تحریم ممنوعیت موشکی و تحریم اشاعه‌ای را فوری نمی‌توانند بردارند. از نظر ما هم اینها تحریم‌های تعیین‌کننده‌ای برای ما نبود که حتماً باید فوری برداشته شود. می‌تواند در فاصله زمانی برداشته شود. آنها می‌گفتند ما تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی را نمی‌توانیم برداریم، ما می‌گفتیم خب! اگر بر نداری ما که رعایت نمی‌کنیم، پس توافق نمی‌شود. بالاخره ایده‌ای که آنها هم آمدند مطرح کردند این بود که بسیار خب! بین قطعنامه و توافق تفاوت قائل می‌شویم. موشکی و تسلیحاتی را در قطعنامه می‌آوریم، بقیه چیزها در توافق».

این در حالی است که تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی ایران به بهانه هسته‌ای در قطعنامه‌ها گنجانده شده بود و قاعدتاً یک تحریم هسته‌ای محسوب می‌شد و آمریکا موظف به رفع این تحریم‌ها طبق سند ژنو (آر‌ام‌ا ۹۴) و برجام بود اما آمریکا‌هایی‌ها با یافتن نشانه‌هایی از تیم مذاکره‌کننده ایرانی که دنبال توافق کردن به هر قیمتی بود، دامنه رفع تحریم‌ها را از ژنو تا وین برچیدند و در حالی که بر مبنای سند نهایی توافق ژنو قرار بود تمام تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای برداشته شود، گام به گام در لوزان و وین بر این رفع تحریم‌ها قید زدند و در نهایت در عمل نیز هیچ‌کدام از این تحریم‌ها را به صورت واقعی و روی زمین برداشتند. در این میان اظهارات دیگری از سیدعباس عراقچی در برنامه گفت‌وگویی ویژه خبری که ۱۵ فروردین ۹۵ انجام شد، به طور کامل مسأله را روشن کرد. عراقچی در این گفت‌وگو تأکید کرد علت غلط واقعی که آمریکا‌هایی‌ها را بر آن داشته از لغو این تحریم‌های بسیار کلیدی خودداری کنند، این است: «مادگی‌اش را نداشتند».



راهنمای تصویری از مذاکرات و نشست‌های دیپلماتیک در تهران و وین.